

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌های خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.



شیشه برج‌ها را چگونه باید شست؟

«تینا» دختری است که سال گذشته عکسش در حال شستن شیشه برج‌های تهران رسانه‌ای شد. او که قبلاً صخره‌نورد بود، در استخدام شرکت خدماتی در آمده و کار شست‌وشوی شیشه برج‌های مرتفع تهران را انجام می‌دهد. با این حال بدون نگاه قهرمان پروری باید گفت کاری که زنان و مردان در ارتفاع انجام می‌دهند بدون شک کار سخت‌امایجان انگیزی است.



گفت‌وگوی «شهروند» با «فرزانه عطارباشی» که از بلندمرتبه‌ترین برج‌ها بالا می‌رود

زن عنکبوتی در خیابان‌های مشهد

به‌ناز مقدسی | مادامی که ما شعار نه به تبعیض جنسیتی سر بدهیم اما تعمیر خودرو، کوبیدن میخ به دیوار، باز کردن لوله‌های گرفته آشپزخانه و دریل زدن و پیچ‌گوشنی انداختن و بعضی‌هایمان حتی کشتن سوسک را در خانه خودمان جزو کارهای مردانه بدانیم، وضع همین است که در جامعه‌مان هم مشاغل، مردانه و زنانه می‌شوند. درست مثل شغل ارتفاع‌نوردی که «فرزانه عطارباشی» مدرک بین‌المللی‌اش را کسب کرده اما سال‌هاست که حتی یک زن در بین همکارانش

نیست و هنوز هم خیلی‌ها او را به خاطر کاری که انجام می‌دهد، سرزنش می‌کنند. اما او ۵ سال تمام است که با همه این نگاه‌ها جنگیده؛ صبح به صبح از بلندمرتبه‌ترین برج‌های شهر مشهد بالا می‌رود، لباس مخصوص کارش را می‌پوشد و در پشت بام برج‌ها کارگش را نصب می‌کند و وقتی از گره طناب‌هایش مطمئن شد، به پایین جست می‌زند تا ساعت‌ها بین زمین و هوا مشغول جوشکاری و نصب شیشه و دریل کاری باشد؛ کاری

که به او آرامش می‌دهد و برایش مثل یک قوس مسکن است اما ظاهر تبعیض جنسیتی در جامعه ما هنوز هم به نفع فعالیت زنان ایراد می‌گیرد و نگاه آزاردهنده‌اش را روی زنان موفق که تنها جرم‌شان قدم گذاشتن در راهی است که باور عمومی جامعه آن را منع کرده، پهن می‌کند تا خیلی‌ها قیدانتخاب‌شان را بزنند. ولی فرزانه ۵ سال تمام پای همه حرف‌ها و نگاه‌ها ایستاده و آن قدر از زمین فاصله گرفته تا ثابت کند زنان هم به اندازه مردان حق دارند شغل‌شان را انتخاب کنند.

• بدون شک اغلب آدم‌ها انتظار دارند کسی که با یک طناب از برج‌ها آویزان می‌شود یک مرد باشد تا یک زن.

بله طبیعتاً چون زن‌ها به این شغل فکر نمی‌کنند و من تنها زنی هستم که در ایران مدرک ارتفاع‌نوردی را گرفته‌م و از آن استفاده می‌کنم.

• چه مدرکی می‌خواهد؟

مدرک «IRATA» که در ایران شرکت کوه‌پرسی امتحان‌هایش را برگزار می‌کند اما مدرک‌ش از انگلستان صادر می‌شود. من در منطقه دماوند تهران آزمون‌هایم را داده‌م و ۱۵ آیتم مختلف داشت.

• ما در ایران زنان ورزشکار، صخره‌نورد و کوهنورد زیاد داریم؛ یعنی هیچ‌کس تا به حال مدرک تو را نگرفته؟

شاید قبلاً از من کسی این مدرک را گرفته باشد اما لابد از مدرک‌شان استفاده نمی‌کنند.

• البته چند سال پیش هم یک دختر جوان در تهران کارش شبیه به تو بود؛ یعنی به ارتفاع می‌رفت و شیشه‌ها را می‌شست.

شاید خانم‌های دیگری هم در این کار باشند اما چون تعداد افراد فعال در زمینه کاری من کم است، معمولاً همه همدیگر را می‌شناسند و فعلاً من تنها زنی هستم که مدرک این کار را گرفته‌ام و رسماً در این حرفه فعالیت می‌کنم. البته باید بگویم که خیلی‌ها فکر می‌کنند کار ما فقط شستن شیشه است ولی اینطور نیست من آن بالا جوشکاری هم انجام می‌دهم، تابلو، شیشه و کامپوزیت نصب می‌کنم و خلاصه نمای یک ساختمان نیاز به هر نوع بازسازی داشته باشد، جزو کار ماست.

• می‌خواهم به عقب‌تر بگردیم، به این که اصلاً ماجرای کارت از کجا شروع شد؟

من در یکی از مرکز خریدهای خوب مشهد مغازه لباس‌فروشی داشتم؛ لباس زنانه می‌فروختم و کار و درآمد هم خوب بود اما یک روز در روزنامه آگهی بازاریابی برای ارتفاع‌نوردی را دیدم. برایم جالب بود که اصلاً این شغل چیست که نیاز به بازاریاب دارد؟ بعد هم به آگهی دهنده مراجعه کردم و تصمیم گرفتم بین ساعت‌های بعدازظهر تا عصر که مغازه‌ام تعطیل است، برای این کار بازاریابی کنم.

• پس اول برای ارتفاع‌نوردی بازاریابی می‌کردی؛ چطور شد خودت وارد این کار شدی؟

راستش همه متقاضیان مرد بودند و یک روز که با آنها سر یکی از ساختمان‌ها بودم، دیدم خیلی‌هایشان آه و ناله می‌کنند که این کار خیلی سخت است. برای همین با خودم فکر کردم که من دارم برای این کار بازاریابی می‌کنم اما خودم امتحانش نکردم و اصلاً نمی‌دانم حسش چیست و چقدر سخت است. همان موقع لباس‌های مخصوص‌شان را پوشیدم و به ارتفاع رفتم و دیدم این کار برای من آنقدرها که می‌گویند، سخت نیست؛ اصلاً حال من در ارتفاع خوب شد و آن قدر لذت بردم که چند ماه بعد مغازه‌ام را جمع کردم و به این کار مشغول شدم.

• آن موقع هنوز مدرک ارتفاع‌نوردی نگرفته بودی و بدون هیچ آموزشی این کار را امتحان کردی؟

بله؛ آموزش ندیده بودم و فقط به صورت تجربی می‌دانستم چه کاری

باید انجام دهم.

• خطرناک نبود؟

الان که به آن موقع فکر می‌کنم، می‌فهمم که کارم خطرناک بود؛ مخصوصاً که اولین بار با کمترین تجهیزات ایمنی و خیلی مبتدی به ارتفاع رفتم ولی خب خدارا شکر به خیر گذشت!

• ازدواج کردی؟

نه.

• خانواده‌ات با کارت مشکل نداشتند؟ چون در جامعه ما بعضی از کارها به مشاغل مردانه و زنانه تفکیک شده‌اند، خلاف آن عمل کردن تابوشکنی است.

اتفاقاً خانواده من هم جزو خانواده‌های مذهبی مشهد هستند و می‌دانستم اگر این موضوع را با آنها در میان بگذارم، اجازه نمی‌دهند که وارد این کار شوم؛ ضمن این که بالاخره پدر و مادرها وقتی می‌فهمند بچه‌شان به‌خصوص یک دختر می‌خواهد در ارتفاع کار کند، از خطر افتادن و صدمه دیدن و این‌جور چیزهاش می‌ترسند.

• پس خانواده‌ات مخالف کارت بودند؟

راستش من اصلاً به آنها نگفتم که کارم چیست.

• سال است که روی برج‌ها می‌روی و در ارتفاع کار می‌کنی؛ یعنی در این همه سال خانواده‌ات خبردار نشدند؟

نه؛ ولی چند ماه پیش بالاخره به برادرم گفتم و او هم به پدر و مادرم موضوع را گفت؛ تا از همان موقع تا الان هم با من قهر کردند. حق هم دارند

چون دل‌نگران من هستند. اما واقعیت این است که من فقط به موفقیت در شغل فکر می‌کنم و می‌دانم که بالاخره خانواده‌ام هم می‌پذیرند.

• ارتفاع‌نوردی چه لذتی دارد که به خاطرش این سختی‌ها را تحمل می‌کنی؟ در آمدش خوب است یا واقعاً بحث همان علاقه است؟

ببینید من ۱۰ سال مغازه لباس‌فروشی داشتم و آن زمان ماهی ۷،۸ میلیون درآمد داشتم؛ اما مغازه‌ام را جمع کردم و شغلم را تغییر دادم تا ارتفاع‌نورد شوم؛ بنابراین بحث مالی‌اش برایم مطرح نبود من می‌خواستم کاری انجام دهم که روح و روانم در آن اشباع شود. وقتی به ارتفاع می‌روم سبک می‌شوم، گاهی روی زمین سردرد می‌گیرم اما به ارتفاع که می‌روم حالم خوب می‌شود؛ ارتفاع برایم مثل قرص مسکن است.

• درآمد ارتفاع‌نوردی چقدر است؟

ببینید اوایل ساعتی به ما پول می‌دادند اما الان که خودم پروژه می‌گیرم و بستگی به نوع کارش دارد، معمولاً یک پروژه یک‌ماهه بین ۶ تا ۲۰ میلیون درآمد دارد.

• ترس از ارتفاع یا همان آکروفوبیا، یکی از اختلال‌های رایج است و معمولاً زنان بیشتر از مردان به این ترس دچار هستند. هیچ‌وقت از ارتفاع ترسیدی؟

نه نمی‌ترسم. (می‌خندد) من لیسانس تربیت‌بدنی دارم و قبلاً هم کوهنوردی می‌کردم و هیچ‌وقت از ارتفاع ترسیدم.

باورم نمی‌کردند و می‌گفتند می‌خواهی بندبازی کنی

• برخورد مردم با تو چطور است؟ منظورم این است که وقتی با طناب از بالای یک ساختمان جست می‌زنی و ساعت‌ها بین زمین و هوا روی ساختمان جوشکاری انجام می‌دهی یا تابلو نصب می‌کنی رهگذران و آدم‌ها تو را به عنوان یک زن در این کار پذیرفته‌اند؟

راستش اوایل خودم از برخورد مردم می‌ترسیدم و وقتی لباس کارم را می‌پوشیدم و می‌خواستم از ارتفاع آویزان شوم، طبیعتاً مردم به این صحنه با تعجب نگاه می‌کردند، برای همین مدام فکر می‌کردم دارم کار بدی انجام می‌دهم، ولی کم‌کم با فکرم و نگاه‌های مردم کنار آمدم و برای خودم انرژی مثبت فرستادم. الان بعد از ۵ سال این کار برایم عادی شده و اتفاقاً مردم واقعاً به من لطف دارند. وقت‌هایی که از ساختمان برج‌های مسکونی آویزان می‌شوم، خانم‌هایی آیند پشت پنجره خانه‌شان و با من عکس سلفی می‌اندازند، چایی و شیرینی می‌آورند و حتی در حین کار یا هم گپ می‌زنیم. گاهی هم از روی زمین عده‌ای می‌گویند: «داداش خدا قوت.» چون از آن فاصله متوجه نمی‌شوند یک زن است که از طناب آویزان شده، شاید هم باور نمی‌کنند. (می‌خندد)

• کار فرماهاست چطور؟ نگاه جنسیتی به کارت ندارد؟ مثلاً به این دلیل که زن هستی به تو کار ندهند و باورشان این باشد که مرد‌ها بهتر از پس این‌جور کارها برمی‌آیند.

راستش اوایل این اتفاق می‌افتاد. یادم هست یکی از کارفرماهایم گفت دختر می‌خواهی بندبازی کنی! خیلی‌های دیگر هم مسخره می‌کردند و تصورشان این بود که به دنبال جلب توجه هستم؛ ولی من در این کار پافشاری کردم، جنگیدم و آن قدر ماندم تا بالاخره خودم را ثابت کردم که کارم به جنسیت‌م ربطی ندارد. حالا بعد از ۵ سال به تنهایی پروژه‌ها

را می‌گیرم و دیگر با شرکت‌ها کار نمی‌کنم. شاید باورتان نشود، اما الان بهترین ویزیتورترین پروژه‌های ساختمان‌ها و برج‌های مشهد دست من است.

• به تو چند لقب هم داده‌اند، مثل «بانوی

برج‌نورد ایران» یا «زن

عنکبوتی مشهد». این

لقاب را دوست داری

یا فکر می‌کنی دلیلی

برای تمایز وجود

ندارد که بخواهند به

تولفتی نسبت دهند؟

نه؛ از لقب دادن ناراحت

نمی‌شوم، چون نمی‌فهمم

چوب است یا بد. به هر حال

هر کسی نسبت به کار من برداشت

خودش را دارد و من هرگز نمی‌توانم طرز فکر

دیگران را عوض کنم و تنها کاری که از پس آن بر می‌آیم این

است که راه خودم را بروم.



می‌خواستند با لباس‌ها و طناب‌ها برای پرو فایل‌شان عکس پندازند

شویم و عکس بپندازیم، چون عکس پرو فایل‌های من تکراری شده و می‌خواهم یک ژست متفاوت بگیرم. بنابراین باید بگویم همانقدر که خیلی از خانم‌ها به کار من احترام می‌گذارند، عده‌ای هم به شغلم به شکل یک تفریح نگاه می‌کنند.

• به جز این که در ارتفاع حالت خوب می‌شود، از سختی‌های کارت هم بگو؟

راستش کار من شاید ظاهر خطرناکی داشته باشد، اما واقعاً اگر کارگهت را درست نصب کنی و گره طناب‌هایت درست باشد، خطری تهدیدت نمی‌کند. اما به هر حال در کار ما اولین اشتباه، آخرین اشتباه است. آب‌وهوا هم در کارم تأثیر دارد و نباید در شرایط جوی بد روی ساختمان‌ها بروم. در نهایت سختی کار من هنوز هم جنگیدن با نگاه‌های سنتی به شغلم است، شغلی که در باور عمومی مردانه به حساب می‌آید.

• این ماهیت مردانه کارت، از بابت می‌کند؟

خب همان‌طور که گفتم هنوز هم نگاه‌ها به کار من این است که تو کار مردانه‌ای انجام می‌دهی. در همه این مدت هم از بعضی از همکارانم توهین شنیده و فحش خورده‌ام و حتی پولم را هم نداده‌اند.

• بعد از ۵ سال ماندن و جنگیدن برای حفظ جا بنگاه شغلی‌ات حالا با این حرف‌ها کنار آمدی؟

با خودم می‌گویم من یک زن هستم و فقط به قول خیلی‌ها شغل مردانه‌ای دارم، اما از خیلی از آنها بهتر و دقیق‌تر کار می‌کنم. از طرف دیگر همه حس‌های زنانه‌ام سرچاپ‌شده است، آشپزی و خانه‌داری می‌کنم و وقتی از سرکارم بیرون می‌آیم یک زن هستم با همه ویژگی‌هایش.